

تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای در جمهوری اسلامی ایران در افاق ۱۴۲۰

کامل منیری^{۱*}

سید یحیی صفوی^۲

محمد سهرابی^۳

حسین ولی‌وند زمانی^۴

محمد رضا حافظ‌نیا^۵

چکیده

امنیت و شیوه دستیابی به آن یکی از مهمترین موضوعاتی است که در سراسر تاریخ جامعه بشری ذهن و عملکرد بشر را به خود مشغول داشته است. پیچیدگی تهدیدات و تسری آن به تمام لایه‌های اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی کشورهای جهان در قرن بیست و یکم آنها را به سمت سازوکارهای مختلفی برای تأمین امنیت ملی سوق داده است. یکی از مهمترین عوامل مؤثر در این روند، تحول ساختاری ارتش‌ها به منظور رفع ناکارآمدی‌های ارتش‌های نظام وظیفه‌ای می‌باشد. بنابراین همگام شدن نظام دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران با الگوهای غالب در نظام بین‌الملل و تدوین سناریوهای ارتش حرفه‌ای در ج.ا.ا به عنوان محور پژوهش، دغدغه اصلی محقق می‌باشد. برای تبیین علمی موضوع این سؤال کلی مطرح می‌شود که تحول نظام دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای چگونه امکان‌پذیر است و سناریوهای ممکن برای تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای کدامند. برای پاسخ به این سؤالات روش پژوهش ترکیبی مبنای این مطالعه قرار گرفت، که در آن از رویکرهای اکتشافی برای تدوین نظریه‌ها و گونه‌شناسی پژوهش‌ها استفاده می‌شود. گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای و روش میدانی بوده و از منابع موجود در کتابخانه‌ها، اطلاعات آماری رسمی و معتبر بین‌المللی و کاوش در سایت‌های اینترنتی اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است. جامعه مورد مطالعه، پژوهش‌گران و متخصصین حوزه‌های دفاعی - نظامی می‌باشد. این پژوهش با هدف تبیین مکانیزم گذار از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای تدوین شده است و مهمترین نتیجه تبیین چهار سناریو در بازه زمانی ۱۴۰۰ تا ۱۴۲۰ در ارتباط با فرآیند اجرایی ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای است.

واژه‌های کلیدی:

ارتش حرفه‌ای، ارتش وظیفه‌ای، امنیت ملی، نظام نوآوری دفاعی، چشم انداز ۱۴۲۰.

۱. دانشجوی دوره دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۲. استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۳. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین

۴. استادیار علوم راهبردی دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

۵. استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای موضوعی است که از سال‌های پس از جنگ جهانی دوم توجه بیشتر کشورهای مختلف جهان را به خود جلب کرده است. هر چند که این نوع از ارتش‌ها با ویژگی‌های خاصی در سراسر تاریخ وجود داشته است اما این دیدگاه از دهه ۱۹۶۰ به بعد با رویکردها و مطالبات اجتماعی عجین شده و ارتش‌های حرفه‌ای مدرن و پست‌مدرن را خلق کرده است. بر اساس این دیدگاه بسیاری از کشورهای جهان به سمت ارتش‌های حرفه‌ای حرکت کرده و با اصلاح ساختار نیروهای مسلح خود، ارتش را چابک و کم هزینه کرده‌اند. اساس این تحول بر ناکارآمدی ارتش‌های وظیفه‌ای بر می‌گردد؛ زیرا تجهیزات و فناوری‌های نوین نظامی بطور الزام‌آوری به سامانه دفاعی کشورها وارد می‌شوند و با توجه به پیچیدگی‌هایی که دارند نیازمند آموزش‌های علمی و عملی ویژه هستند، اما با محدودیت زمانی خدمت و آموزش‌ها در ارتش‌های وظیفه‌ای، امکان یادگیری و بکارگیری درست این‌گونه از ابزارها و تجهیزات دفاعی - نظامی ممکن نیست. به عبارتی ممکن است ارتش‌های وظیفه‌ای حتی با استعداد یک میلیون نفری هم، در مقایسه با ارتش‌های حرفه‌ای ۲۰۰ هزار نفری مطلوبیت بکارگیری تجهیزات و فناوری‌های نوین دفاعی - نظامی را نداشته باشند.

بنابراین ارتش‌های وظیفه‌ای در معادلات جنگی به عنوان دیواره انسانی عمل کرده و در عمل از یک طرف بازدارندگی لازم و از طرف دیگر امنیت ذهنی برای شهروندان یک کشور بوجود نمی‌آورند. همچنین فرصت‌های ارزشمندی در زمینه صرفه‌جویی‌ها و بکارگیری صحیح منابع انسانی کشور را با چالش مواجه می‌سازد. در حالی که منطق حاکم در بکارگیری قوای مسلح در قرن بیست‌ویکم، هدفمندی و انطباق نیازهای تاکتیکی و عملیاتی، اصلاح کارکردهای ارتش، ضوابط، آیین‌ها و رویه‌ها در تولید قدرت نظامی مورد توجه قرار می‌گیرد. با این رویکرد ارتش حرفه‌ای پشتیبانی از سیاست‌های امنیت ملی، برجسته شدن قدرت و غیرت ملی و در نهایت نماد قدرت و بازدارندگی را سبب شده و به این امر توجه دارد که در عصر ظهور پرشتاب انقلاب فناوری اطلاعات که «تولید انبوه» جای خود را به تولید «مناسب‌تر» و «کارآیی» با معیار توانایی و قابلیت مطلوب می‌دهد. ارتش حرفه‌ای با تولید و انباشت اطلاعات دفاعی و نظامی ماموریت‌ها، کارکرد ارتش‌های وظیفه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است و عملاً جای این‌گونه ارتش‌ها را گرفته است. با این رویکرد ضرورت تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای در جمهوری اسلامی ایران نیز اجتناب ناپذیر می‌باشد. در این پژوهش نیز این ضرورت در چهارچوب امکان‌سنجی و تبیین سناریوهایی برای عبور از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای تبیین شده است.

با توجه به اراده سیاسی حکومت و به تبع آن نگاه برخی از نهادی نظامی جمهوری اسلامی ایران از جمله، ستاد کل نیروهای و سپاه پاسداران به ارتش (نیروهای مسلح) حرفه‌ای و سربازی داوطلبانه، طرح موضوع و پژوهش در این حوزه کار بسیار پرچالش و پرزحمتی است، اما با نگاه به رویکرد کلی جامعه و جوانان و همچنین کارایی سربازان وظیفه و نیروهای مسلح متکی بر آن، شرایط محیط درونی و بیرونی و همچنین تحولات گسترده‌ای که در محیط منطقه‌ای ایران در زمینه تحول از ارتش‌های وظیفه‌ای به ارتش‌های حرفه‌ای شاهد هستیم. چنین تحولی در ایران نیز امری اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌کند. بنابراین پژوهش حاضر با دو رویکرد کاربردی و تولید ادبیات نظری و ارائه راهکارهایی اجرایی متناسب با پژوهش حاضر و متناسب با شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور مورد توجه قرار گرفته است. آنچه که از بررسی شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور استدلال می‌شود این است که، با وجود چالش‌های اساسی در برخی از حوزه‌های سیاسی و نظامی، شرایط اجتماعی اقتصادی برای چینی تحولی آماده است. بنابراین راهبردها و پیامدهای چنین دیدگاهی اهمیت دارد. این عوامل و تحلیل هر یک از آنها که شالوده و فلسفه تحقیق حاضر را تبیین می‌کند با مطالعه منابع و مصاحبه‌های ساختار یافته با خبرگان مورد تحلیل قرار گرفت و استنتاج دیدگاه‌های آن‌ها فرضیاتی که در قالب راهبردها و پیامدها تدوین شده بود تأیید نمود.

مرور مبانی نظری و پیشینه‌ها

نظریات و پارادایم‌های پیرامون گذار از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای

بطور کلی فرآیند تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای معمولاً با فقر نظری و منابع علمی محدودی روبرو است، بویژه زمانی که این فرآیند در کشورهایی که ادبیات ضعیفی در این حوزه دارند، دنبال گردد. بنابراین نیاز است ادبیات و پشتوانه فکری کشورهایی که این فرآیند را طی کرده‌اند مورد مطالعه قرار گیرد. در این زمینه مفاهیم و پارادایم‌هایی وجود دارد که لزوم تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای را در کشورهای دیگر سبب شده‌اند. در این پژوهش نیز در تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای به این نظریات تکیه شده و و تأیید بنیان فکری و نظری این ایده در جمهوری اسلامی ایران با استناد به پارادایم‌ها و نظریات زیر صورت می‌گیرد. البته پیرامون این دیدگاه نظریات زیادی تبیین شده است و پارادایم‌های زیادی بر این امر صحنه می‌گذارند، اما در این جستار به دلیل اجتناب از مباحث طولانی، فقط به نظریات و پارادایم‌هایی

که به طور صریح از تحول نظامی از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای صحنه می‌گذارد پرداخته شده است.

پارادایم انقلاب در امور نظامی

انقلاب در امور نظامی موضوع مفهومی وسیع‌تر از ادبیات و تاریخ نظامی جهان می‌باشد که بطور ویژه از مفهوم و ادبیات پارادایم نوآوری دفاعی پشتیبانی می‌کند. به این مفهوم که، اگر تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای را نوعی نوآوری دفاعی فرض کنیم، پارادایم انقلاب در امور نظامی و دفاعی تفکر غالبی است که هم از تفکر تحول ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای و هم از پارادایم نوآوری دفاعی پشتیبانی می‌کند. نکته حائز اهمیت در این زمینه این است که پارادایم انقلاب در امور نظامی هزاره سوم صرفاً از متغیرهای تغییرات تکنولوژیکی موضوع مورد مطالعه پشتیبانی نمی‌کند. بلکه این باور حاکم است که حرفه‌ای شدن ارتش و نظام تحول دفاعی صرفاً با تکیه بر تغییر در نوع تأمین نیروی انسانی، نوآوری در ساختار سازمانی و تاکتیک‌های رزمی ممکن نمی‌باشد، بلکه ارتش‌ها علاوه بر تغییرات اساسی در موارد اشاره شده بالا، الزاماً باید تغییر و تحولات وسیعی در ابزارهای جنگی و فناوری نظامی داشته باشند.

انقلاب در امور نظامی با تأکید بر جنگ‌افزارهای دقیق، پنهان‌کار و فناوری پیشرفته برای مشاهده روشن‌تر صحنه نبرد و ارتباط‌گیری سریع‌تر با نیروهای نظامی از این تفکر حمایت می‌کند. در واقع انقلاب در امور نظامی در هزاره سوم موضوعات مهمی را مطرح می‌کند که در آینده اتفاق خواهند افتاد. با این رویکرد، فناوری‌های تازه به تنهایی انقلاب نمی‌آفریند، بلکه باید در نتیجه این فناوری تازه، آموزه نظامی هم دگرگون شود (گریفیتس، مارتین؛ ۱۳۹۰: ۶۵). با این نگاه در شرایط کنونی تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای به دلیل پوشش دادن بیشتر تحولات مطرح در پارادایم انقلاب در امور نظامی تکامل و دگرگونی‌های وسیع در امور نظامی را تبیین می‌کند.

مهم‌ترین نکته‌ای که پیوند میان ارتش حرفه‌ای و انقلاب در امور نظامی را فراهم می‌کند این است که امور نظامی امروزی متضمن برخی آموزه‌های نظامی تازه از جمله آموزه عملیات مشترک است. انقلاب در امور نظامی موجب پدید آمدن رزمگاه هر چه یکپارچه‌تری شده است که در آن نیروهای زمینی، دریایی و هوایی همکاری هرچه نزدیک‌تری با هم دارند. وجه مشخصه عملیات این است که حملات دقیق نیروی هوایی میدان نبرد را برای نیروهای زمینی آماده می‌سازد و تجهیزات پروازی سربازان را به صحنه‌های عملیات حرفه‌ای می‌رساند. هواپیماهای بدون خلبان نظارت و مراقبت و ماهواره‌ها با فعالیت در سراسر میدان نبرد از هر سه نیرو حمایت

به عمل می‌آورند. این گرایش به سمت عملیات مشترک سبب شده است نیروهای نظامی وظیفه‌محور توان لازم برای انجام این گونه عملیات‌ها را نداشته باشند (همان).

به لحاظ مفهومی، مرکز و هسته انقلاب در امور نظامی (RMA)، به نظامی‌گری و چگونگی تحول آن در آمریکا باز می‌گردد که برای حفظ سلطه و قدرت خود در محیط پسا جنگ سرد، تغییراتی را در تجهیز نیروی نظامی خود به تکنولوژی‌های برتر و سلاح‌های کشنده و مرگبار، افزایش سرعت انتقال و گسترش توانایی‌های آنان در هر گوشه‌ای از جهان و ... به وجود آورد (رضایی و زارع، ۱۳۹۱: ۶۶).

ارال تیلفورد^۱ استراتژیست نظامی ایالات متحده آمریکا معتقد است؛ با وجود اینکه مؤلفه‌های تکنولوژیک در فرایند انقلاب در امور نظامی بسیار حائز اهمیت می‌باشند، ولی باید این انقلاب را چیزی بیش از پیشرفت‌های چشم‌گیر تکنولوژیکی تصور کرد. به اعتقاد او انقلاب در امور نظامی، انقلابی اساسی در روش سازماندهی مؤسسات و سازمان‌های نظامی، تجهیزات و آموزش برای جنگ و نیز روش هدایت خود جنگ است و همه به مجموعه‌ای از فاکتورهای سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیکی بستگی دارد و لزوماً نمی‌توان آن را به حوزه تحولات تکنولوژیک منحصر دانست.

اما می‌توان به این نکته اشاره داشت که انقلاب در امور نظامی می‌تواند به دلیل انقلاب در مفهوم امنیت به یک موضوع فراگیر قابل بحث در میان کارشناسان امنیتی تبدیل شده است که در حال حاضر، اصطلاحاتی وسیع از ایده‌ها و رویکردهای آزادانه در سیاست امنیتی به دست آورده است. هرچند که وجود و عدم وجود "انقلاب در امور نظامی" به بحث مهمی تبدیل شده است، اما بی‌شک تحولات در عرصه هوا فضا و سلاح‌های نوظهور با قابلیت تخریب منطقه‌ای انقلاب‌های واقعی در امور نظامی را سبب شده است، اما در مورد اینکه آیا تغییرات اشاره شده در سلاح‌های نظامی و استراتژی بکارگیری آنها، به یک انقلاب ختم شده است توافق چندانی وجود ندارد (Chapman, 2003: 2-5). اما این ابهام هر چه قدر هم باشد به ارتش حرفه‌ای پشتوانه علمی و فلسفی مناسبی داده است.

تجزیه و تحلیل بالا از انقلاب‌های امور نظامی نشان‌دهنده پیچیدگی موضوع و مشکلاتی است که در بررسی ابعاد اجتماعی، نظامی و تکنولوژیکی موضوع دیده می‌شود. برای مثال هر دو دوره ناپلئونی و جنگ جهانی اول موفق به ایجاد یک سبک جدید در امور نظامی شدند، اما

^۱. Aral Tylfvrđ

با وجود ایجاد تغییراتی در مفهوم جنگ، موفق به غلبه بر پیچیدگی‌های جنگ نشدند. این تحلیل ما را قادر می‌سازد تا نتیجه‌های خاصی را درباره ماهیت انقلاب در جنگ و اعتبار پارادایم انقلاب در امور نظامی به دست بیاوریم (Liaropoulos: 2006: 363-367) که پدیده‌های اجتماعی نظامی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. ارتش‌های حرفه‌ای به عنوان نمونه بارزی از همگرایی امور نظامی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی به این شبهات و ابهامات پاسخ می‌دهد.

پارادایم نظام نوآوری دفاعی

نظام نوآوری دفاعی مزیت‌های نسبی نیروهای نظامی یک کشور بر نیروهای نظامی دیگر کشورها را تبیین می‌کند و زمینه را برای ظهور بازدارندگی دفاعی و نظامی و همچنین توسعه قدرت ملی فراهم می‌سازد. این اصل به عنوان یک اصل تدریجی- تحولی با سه دیدگاه غالب ضرورت نوسازی و نوگرایی را در سازمان‌های دفاعی نظامی تبیین می‌کند.

اول) رویکرد اول دیدگاه روانشناختی که نوآوری را بیشتر یک امر روانشناختی و مربوط به هوش و استعدادهای فردی تلقی می‌کند، دوم) دیدگاه اجتماعی است که نوآوری سازمانی را امری جامعه شناختی و انعکاس محیط و محاطی استعدادهای یک سازمان تلقی می‌کند و سوم) دیدگاه نظام‌مند که ایجاد نوآوری‌ها و استمرار و فراگیری آنها را در سازمان یک امر سازمانی و فراتر از عوامل فردی و فراهم آوردن صرف امکانات و زمینه‌های لازم تلقی می‌کند (سلطانی، ۱۳۷۸). بدیهی است، رویکردی از نوآوری که تحول از نظام وظیفه به ارتش حرفه‌ای را سبب می‌شود، دیدگاهی است که خلاقیت و نوآوری را امری جامعه‌شناختی منوط به فراهم آمدن شرایط محیطی و زمینه مناسب برای بروز استعدادهای می‌داند بر این اساس در این پژوهش نوآوری در حوزه دفاعی و نظامی، نوآوری از پائین به بالا می‌باشد. در این پارادایم تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای نیز نوعی تحول از پائین به بالا بوده و به منزله موتور محرکه شکل‌گیری ارتش‌های حرفه‌ای می‌باشد.

در نوآوری پایین به بالا، کارآفرینی با تأکید مدیریت بر خلاقیت، می‌تواند پشتوانه و پشتیبان نظری مناسبی برای نظام تحول از نیروی دفاعی وظیفه‌محور به نیروی دفاعی داوطلب و حرفه‌ای باشد. بدیهی است نیروی دفاعی مبتنی بر نوآوری از پائین به بالا ایده‌های بسیاری که از سوی کارکنان و سربازان، جهت بهبود و توسعه کار داراست، سربازان حرفه‌ای و فرماندهان توانمند ارتش حرفه‌ای برای تحولات بزرگتر و و رساندن ارتش حرفه‌ای به پختگی کامل کمک می‌کنند. در این نوآوری مدیران نظامی و فرماندهان از خلاقیت درون سازمانی و فرهنگ سازمانی کارآمد

برای انجام ماموریت‌های سخت حمایت می‌کنند. برخلاف نوآوری بالا به پائین، این نوآوری از دموکراسی سازمانی برخوردار بوده و اساساً شکل‌گیری ارتش‌های حرفه‌ای با این تفکر قابل تبیین است. بر این اساس ارتش‌های حرفه‌ای مبتنی بر تفکر نوآوری نظامی - دفاعی از پائین به بالا شکل گرفته و عملیاتی شده‌اند. آنان از مرحله شکل‌گیری تا تکامل در چهار وظیفه ذاتی خود بسیار خوب و علمی عمل کرده‌اند:

- جست‌وجو و سازماندهی خلاقیت سازمانی.
 - شناسایی و حمایت از مبتکران و قهرمانان نوآوری (کسانی که وضعیت کنونی را به چالش می‌کشند و پیشگام روش‌های جدید در انجام امور هستند).
 - جذب و توسعه افرادی که ریسک می‌کنند و امور را محقق می‌سازند.
 - بازبینی و بهبود مداوم چیزی را که جوهر یک محیط (توانا بودن در انجام کار) است.
- ژان فیلیپ دشامیز (۱۳۹۵) بر این باور است، نوآوری در حال تبدیل شدن به مؤلفه‌ای کلیدی در سیاست‌گذاری اقتصادی، صنعتی و حتی دفاعی است. به عنوان مثال، دفتر علم و نوآوری انگلیس، نوآوری را موتور اقتصاد مدرن می‌داند که ایده‌ها و دانش را به کالا و خدمات تبدیل می‌کند (Tidd et al, 2009). در صنعت دفاعی، نوآوری فناورانه موجب افزایش ظرفیت و کاهش عدم قطعیت شده است. این نوآوری‌ها توانسته‌اند شمار سربازان و سایر نظامیان مورد نیاز در ارتش‌ها را کاهش داده، بدون آنکه از قدرت عملیاتی ارتش‌ها کاسته شود. این امر باعث شده است که ماهیت، کارکرد و مصادیق ماموریت ارتش‌های مدرن تغییر یابد. رابطه نوآوری‌های فناورانه و ظرفیت نظامی رابطه جدیدی نیست و می‌توان گفت که از آغاز شکل‌گیری ارتش در جهان این رابطه برقرار بوده است. دقیقاً به همین دلیل، تاریخ بشریت مملو از جهش‌های فناورانه‌ای است که از درگیری‌های نظامی ناشی شده‌اند (شفقت و همکاران ۱۳۹۵: ۷۱ - ۸۵).

درعین حال نوآوری مقوله‌ای پرهزینه، زمانبر و البته توأم با عدم قطعیت است، اما موفقیت‌های حاصل از نوآوری‌های فناورانه در جنگ‌های صدسال اخیر از جمله جنگ‌های جهانی اول و دوم، جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس، جنگ کوزوو، جنگ افغانستان و غیره، نشان دهنده اهمیت فناوری و نوآوری‌های صورت گرفته در عرصه نظامی است. یکی از مصادیق ویژه نوآوری در ساختار و سازمان رزم کشورهای جهان، حرکت آنها از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای است (Sapolsky et al, 2009).

آنچه در این باره اهمیت دارد این است که پارادایم نوآوری موتور محرکه تحول از نظام وظیفه به ارتش حرفه‌ای می‌باشد. در واقع، همان‌طور که اشاره شد، نوآوری اصلی بنیادی در سازمان‌های تحول‌گرا می‌باشد. به همین خاطر سند چشم‌انداز نظام نوآوری ملی در بیشتر کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است. در ارتباط با این اصل، سازمان‌های تحول‌گرا هر کدام با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای درونی خود اقدام به انتشار سند نوآوری کرده‌اند. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نظام نوآوری دفاعی را به منظور تحول زیرساختی در همه بخش‌های دفاعی مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین پارادایم نوآوری دفاعی رویکردی است که می‌تواند نظام تحول دفاعی جمهوری اسلامی ایران را از حالت نظام وظیفه‌ای به حالت حرفه‌ای عملی سازد. با این رویکرد انطباق زیرساخت‌های نظامی با اصول نوآوری امری ضروری است. در نظام نوآوری، ارائه محصول جدید، به کارگیری روش جدید یا فرایند جدید، سازماندهی جدید به عنوان اصل اساسی مورد توجه است (رضائیان و فردویی ۱۳۹۳).

این اصول به محقق کمک خواهد کرد که روند تحول ارتش از حالت وظیفه به حالت حرفه‌ای را با تکیه بر اصول و قواعد پذیرفته شده علمی تبیین نماید. جامعه امروزی به واسطه عجین شدن در جامعه جهانی و فضای شبکه‌های اجتماعی روحیه حماسی خود را تا حدودی از دست داده‌اند. این فرآیند زمینه را برای شکل‌گیری جامعه‌ای که در آن افراد خاص وظایف خاصی انجام می‌دهند بوجود آورده است تا نظام تامین نیروی انسانی دفاعی کشور به عنوان یک ساخت اجتماعی با کارکردهای جدید به سمت رشد و بالندگی حرکت کنند (همان). در این رابطه کشورهای تکامل یافته بوجود می‌آیند. تحول در ساختارهای دفاعی و نظامی نیز همگام با توسعه و تحول سایر زیرساخت‌های حیاتی کشور، این پدیده مهم را از آنتروپی مثبت رها می‌سازد و در توسعه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی اثر می‌گذارد. حرفه‌ای شدن ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نظام ملی نوآوری را توجیه نماید؛ زیرا در سال‌های اخیر، نظام نوآوری دفاعی در راستای نظام نوآوری ملی در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

ارتش وظیفه‌ای

ارتش نظام وظیفه‌ای نقش مهمی در تبیین امنیت ملی کشورهای جهان در تاریخ معاصر داشته‌اند. تقریباً همه ارتش‌های قدرتمند امروزی در روند تکامل خود دروان پرشکوهی در ارتباط با توده مردم و طبقات اجتماعی مختلف را پشت گذاشته‌اند. این ارتش‌ها که با مشارکت

گسترده توده مردم از منافع ملی کشور خود دفاع می‌کردند، به ارتش‌های وظیفه‌ای اطلاق می‌گردند و حاصل انقلاب فرانسه (۱۷۸۹-۱۷۹۹) می‌باشند و علاوه بر اینکه تأمین نیرو برای حفاظت قدرت پادشاهان و صاحبان قدرت را بر عهده داشتند، فرایند ملی‌گرایی را نیز تقویت می‌کردند. اما این ارتش پاسخگوی نیازهای امنیتی جوامع نبوده و تنها در دوره کوتاهی از تاریخ جهان (از انقلاب فرانسه تا نیمه دوم قرن بیستم) مورد توجه بوده است؛ زیرا شیوه اجرایی و زیرساخت‌های عملیاتی آن برای جوامع صنعتی که هر روز ابزارهای جنگی و شیوه‌های رزمی جدیدتری را وارد صحنه‌های جنگ کرده است جوابگو نبود. بنابراین ارتش‌های جدیدی تحت عنوان ارتش حرفه‌ای وارد صحنه‌های عملیات رزمی شده و در نظام دفاعی و امنیتی کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفت (سینایی، ۱۳۹۰: ۱۹۹-۲۰۰).

ارتش‌های وظیفه‌ای که به ارتش‌های کثرت‌گرا نیز شهرت دارند، توانستند گروه‌های نژادی مختلف با هویت‌های سیاسی متفاوت را در یک ساختار منسجم ملی به قلمرو ملی پیوند دهند و فرایندهای ملی‌گرایی را تقویت کنند. صرف نظر از اینکه ارتش‌های نظام وظیفه‌ای در کشتار صدها میلیون انسان نقش داشته‌اند، اما با حفاظت و نگهداری از قلمرو ملی و منافع ملی نقش ارزشمندی در تثبیت و توسعه هویت کشورها ایفا نموده‌اند. ارتش‌های نظام وظیفه‌ای موفق، در کنار تخریب‌های جنگی، شکوفایی و توسعه کشورهای خود را سبب شده‌اند.

ارتش حرفه‌ای

نقش و تأثیر شگرف فناوری‌های نوین نظامی از یک طرف و گسترش دامنه تهدیدات از طرف دیگر، الزامات نوینی را در رابطه با فلسفه و مفهوم امنیت پدید آورده و به تبع آن نسل جدیدی از ساختارهای دفاعی نظامی پدید آمده است که امروزه به آن ارتش‌های حرفه‌ای گفته می‌شود. این پدیده سبب شده است بسیاری از کشورها با مطالعات تطبیقی و بررسی هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی سبک‌های قدیمی ارتش، اقدام به ایجاد تغییرات و تحولات بنیادین در ساختار دفاعی و نظامی خود کرده و کلیه امورات نظامی خود را به سمت حرفه‌ای شدن، اعم تجهیزات حرفه‌ای، نیروی انسانی ماهر، اخلاق حرفه‌ای، قوانین و مقررات حرفه‌ای پیش برده‌اند. بنابراین ارتش حرفه‌ای، ارتشی است که در آن خدمت نظامی فعالیت دائمی تمام پرسنل است و با توجه به ماهیت خود فرصت‌های اجتماعی را از نیروی مولد جامعه با خدمت به اصطلاح رایگان به نهادهای نظامی سلب نمی‌کند و زمینه‌ای را بوجود می‌آورد که با حداقل بهره‌مندی از نیروی انسانی کشور، حداکثر بهره‌وری در حوزه دفاعی و امنیتی بوجود آید (همان: ۲۰۲-۲۰۴).

به لحاظ تاریخی ارتش حرفه‌ای در تاریخ نیروهای مسلح در یونان باستان، روم، و دیگر کشورهای وجود داشته است. از قرن ۱۴ تا ۱۸، کشورهای اروپای غربی، مانند فرانسه، ایتالیا، آلمان، اسپانیا، و هلند، ارتش مزدور از سربازان حرفه‌ای که در ابتدا برای مدتی موقت نامیده می‌شدند شکل گرفت. در روسیه نیز ارتش منظم از قرن ۱۸ و نیمه اول ۱۹ که از سربازان خدمت طولانی مدت تشکیل شده بود، شکل گرفت که در واقع یک ارتش حرفه‌ای بود. این سیاست نظامی با تغییرات اساسی در کارکردها، نقش‌ها و ساختارها از نیمه دوم قرن بیستم مجدداً در دکتترین دفاعی و نظامی کشورها ظهور کرده است، به طوری که در حال حاضر حدود ۶۰ درصد از کشورهای جهان دارای ارتش حرفه‌ای یا ارتش‌های شبه حرفه‌ای هستند (Huntington, 1957 : 51).

لزوم تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای

همان‌گونه که در بخش‌های قبلی نیز اشاره گردید جریان سریع تحولات در ابزارها و تجهیزات نظامی، پیچیده شدن ابزارهای میادین نبرد و نیاز به نیروی انسانی خبره و خلاق که بتواند رابطه بین ابزار، اهداف و مأموریت‌های رزمی را درک کند، سبب شده است امروزه اغلب کشورهای جهان به دنبال نیروهای رزمی و سازمان‌های رزم فرامردن باشند و به واسطه چنین نیرو و سازمان رزمی واقعیت‌های امنیتی را درک کرده و چالش‌های تهدید را خنثی سازند. در ادبیات رزم کنونی چنین ارتش‌هایی به ارتش حرفه‌ای تعبیر می‌شوند.

البته در هر کشوری براساس واقعیت‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نوع این الزام مشخص می‌گردد. در ایران کنونی نیز این الزام در ۳ محور قابل تبیین می‌باشد؛

۱- جمهوری اسلامی ایران در یکی از محیط‌های ژئواستراتژیک متشنج جهان واقع شده است که منافع منطقه‌ای تقریباً متضادی با سایر کشورهای منطقه را دنبال می‌کند. این تعارضات اغلب تهدیدهایی را برای کشور رقم می‌زند که تقویت قدرت نظامی و بازدارندگی نظامی می‌تواند این‌گونه تهدیدات را خنثی سازد. بنابراین تخصص‌گرایی و مهارت‌محوری و حرفه‌ای‌گری در ساختار و ماهیت ارتش جمهوری اسلامی ایران بازدارندگی قابل توجهی را برای کشور خلق می‌کند.

۲- کاهش شدید متولدین در دهه‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۹۰، کاهش سرسام‌آور سنین خدمت سربازی در دهه ۱۳۹۰ و دهه‌های بعد از آن را سبب شده است. این امر علاوه بر کاهش کمی داوطلب نظام خدمت سربازی سبب شده است سن میانه در جامعه روند افزایشی به خود بگیرد و ظرفیت‌های آتی جمعیت کشور در زمینه تأمین نیروی انسانی دفاعی کشور

را تحت تأثیر قرار دهد. نتیجه این امر سبب می‌شود نوسانات جمعیتی کشور به شدت نوسانات قدرت و توان رزمی کشور را تحت تأثیر خود قرار دهد این چالش از دو روش می‌تواند بر طرف گردد؛

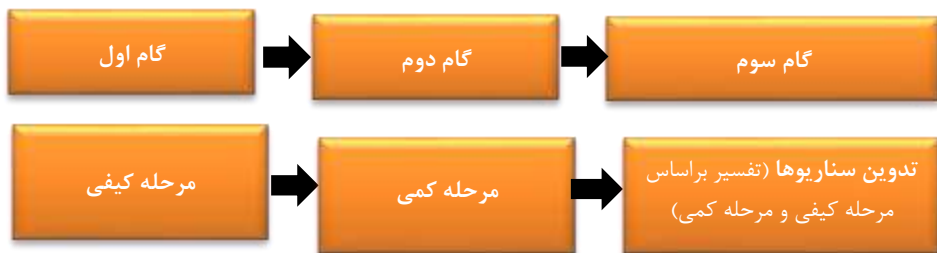
الف) افزایش طول خدمت سربازی تا ۳ سال که اغلب صاحب‌نظران و مطالعه شرایط اجتماعی حاکی از وجود اصطکاک شدید و نارضایتی بین توده اجتماعی و نظام سیاسی حاکم می‌باشد. ب) افزایش طول خدمت سربازی از طریق سیاست‌های حرفه‌ای مشابه کشورهای پیشرو در این زمینه (ترکیه، فرانسه، آلمان، بریتانیا و...). در این روش که در این مطالعه به ارتش حرفه‌ای تعبیر می‌گردد کشور در قبال حذف خدمت سربازی عمومی و استخدام سرباز حرفه‌ای با حقوق و مزایای کافی، نیروی انسانی دفاعی مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند. مطالبات اجتماعی شرایط کنونی جامعه حاکی از این است این نوع تأمین نیروی انسانی کشور با اقبال اجتماعی مواجه بوده و برای توسعه ساختارهای دفاعی کشور ضروری است.

۳- اغلب کشورهایی که در صحنه عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های آتی می‌توانند ظاهر شوند، دارای ارتش حرفه‌ای هستند که ادبیات و روش جنگی بسیار متفاوتی را تداعی می‌کنند. عدم آشنایی به شیوه جنگی ارتش‌های حرفه‌ای متخصص و مهارت‌محور می‌تواند چالش‌های نظام- دفاعی خاصی در آینده بر کشور تحمیل نماید.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع ترکیبی است که در آن از رویکردهای اکتشافی و مدل تدوین نظری‌ها و گونه‌شناسی پژوهش‌ها استفاده می‌شود. جامعه آماری پژوهش متخصصین حوزه خط و مشی‌گذاری در حوزه «نظام تحول دفاعی» و «انقلاب در امور نظامی» و متخصصین دانشگاه‌های نظامی و مدیران عالی رتبه نظامی و همچنین تعدادی از دانشجویان نظامی خارجی از هند و پاکستان می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش در مرحله تدوین ادبیات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، جستجو در اینترنت، مطالعه مقالات، کتب، مجلات، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های تحقیقاتی و سایر پایگاه‌های معتبر علمی است. راهبرد پژوهش مورد استفاده در مرحله اول، نظریه داده بنیاد است. خردمایه استفاده از این راهبرد در این مرحله از پژوهش به کاربری آن باز می‌گردد. بنابراین سوالات، اهداف و زمینه‌هایی که در پژوهش حاضر صورت گرفت برای تدوین سناریوها و به عبارت دیگر ارائه یافته‌های نهایی مورد استفاده قرار گرفته است

(Creswell, 2002). از آنجا که طراحی مدل برای تبیین گذار از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای در ایران مطلوب این پژوهش است، راهبرد نظریه داده‌بنیاد انتخاب، تا با این مطلوب سازگاری داشته باشد. همچنین روش نظام‌مندی که در آن عین ابتناء بر دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان و نیز اهتمام آن به مجموعه‌ای از قضایا و مدل‌آزمون‌پذیر باشد، منجر به تدوین سناریوها و مدل‌نهایی تحقیق شده است. در بخش دوم پژوهش نیز با بهره‌گیری از رویکردی مدل‌سازی معادلات ساختاری، به تبیین مدل اندازه‌گیری احصا شده از مرحله کیفی پژوهش (تئوری داده‌بنیاد) پرداخته شده است.



شکل (۱) فرآیند اجرای پژوهش (Creswell and Clark, 2007: 76)

بررسی یافته‌های پژوهش

تبیین راهبردها مبتنی بر رویکرد تئوری داده‌بنیاد

راهبردها مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده مورد نظر در معادلات ساختاری هستند. راهبردها مقصود داشته، هدفمند است و به دلیلی صورت می‌گیرد. همواره شرایط مداخله‌گری نیز حضور دارند که راهبردها را سهولت می‌بخشند یا آن را محدود می‌سازند. راهبردها مهمترین و اصلی‌ترین بخش در این تحقیق به شمار می‌روند. در واقع مطالعه شرایط علی و زمینه‌ای و مداخله‌گر و همچنین استخراج مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و متغیرهای کلیدی آن‌ها برای رسیدن به راهبردها و در نهایت سناریوهای قابل اتکا است.

در پژوهش حاضر نیز راهبردهای مطرح شده در جدول (۱) مبتنی بر رویکرد تئوری داده‌بنیاد و پس از بررسی شرایط علی، زمینه‌ای و بخصوص شرایط مداخله‌گر و از طریق مطالعه منابع و تحلیل دیدگاه خبرگان احصا گردیده است. در این مرحله نیز تضادهایی وجود دارد. برخی از خبرگان بر ارتش کاملاً حرفه‌ای و برخی بر ارتش نیمه‌حرفه‌ای یا شبه‌حرفه‌ای که تلفیقی از ارتش وظیفه‌ای و ارتش حرفه‌ای است تاکید داشتند. گروه دیگری نیز بر مطالعه و بومی‌سازی ارتش حرفه‌ای کشورهای موفق در این حوزه تاکید داشتند. در همه این دیدگاه‌ها

رویکرد غالبی تحت عنوان امکان‌سنجی اقتصادی این تحول مطرح بود. بنابراین محور دیگری تحت عنوان "امکان‌سنجی اقتصادی تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای" نیز در کنار سایر راهبردها مورد توجه قرار می‌گیرد که در فرآیند تدوین سناریوهای تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای نقش بسیار مهمی دارد. به عبارت دیگر محور و زمینه اساسی سناریوهای اقتصادی در نگاه جامعه خبره و نخبه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

راهبردها در این بخش دارای دو ماهیت شبیه هم اما متفاوت هستند. راهبردهای نوع اول بر امکان‌سنجی اجرایی و راهبردهای نوع دوم بر امکان‌سنجی اقتصادی تأکید دارند. در راهبردهای نوع اول هم دو رویکرد متفاوت تحت عنوان ارتش کاملاً حرفه‌ای و ارتش نیمه حرفه‌ای وجود دارد. در واقع این دو راهبرد متفاوت و تا حدودی متضاد را نمی‌توان در کنار هم قرار داد. اما چون مستخرجه از دیدگاه خبرگان هست و تعدادی از آنها نیز بر این راهبرد تأکید داشتند به عنوان یک راهبرد مستقل در جامعه مورد مطالعه آزمون شد. هرچند در برخی از شاخص‌ها مورد تأیید قرار گرفت اما کلیت موضوع با اقبال عمومی جامعه مورد مطالعه مواجه نشد. بنابراین مهمترین راهبردها در این پژوهش دو راهبرد "ارتش نیمه حرفه‌ای" (در شرایط کنونی و برنامه‌های هفتم هشتم و نهم مطرح شده در سناریوها) و "امکان‌سنجی اقتصادی" هستند.

راهبرد دیگری نیز تحت عنوان تجربه سایر کشورها استخراج شد. این راهبرد بر این تأکید دارد که برای تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای در ایران باید تجربه سایر کشورها در ایران بومی‌سازی گردد. هرچند که این رویکرد راهبرد غالبی نیست و صرفاً با بومی‌سازی تجربه سایر کشورها نمی‌توان در ج.ا.ا به سمت ارتش حرفه‌ای حرکت کرد، اما به زعم اغلب خبرگان جامعه آزمون‌شونده، بومی‌سازی سایر کشورها می‌تواند در فرایند تحول مؤثر باشد. در این راهبرد تعدادی بر بومی‌سازی کشورهای جهان اول (ایالات متحده آمریکا، فرانسه و...) تأکید و تعدادی بر تجربه تشکیل ارتش حرفه‌ای در کشورهای جهان سومی که همسایه ایران هم هستند (مثل ترکیه و پاکستان) تأکید دارند. به زعم محقق، بومی‌سازی تجربه کشورهای دسته دوم به دلیل سنخیت نسبی بافت اجتماعی و فرهنگی ویژگی‌های سیاسی اقتصادی می‌تواند مؤثر باشد. نکته مهم این راهبرد این است که در تدوین کلیت سناریوها راهنمای بسیار خوبی بوده‌اند، بخصوص در مورد اینکه در سناریوها حداکثر خدمت سربازان پیمانی ۱۵ ساله در نظر گرفته است، بطور عینی از تجربه سایر کشورهای دارنده ارتش حرفه‌ای اقتباس شده است.

جدول (۱) کدگذاری باز داده‌های کیفی برای احصا راهبردها

کدها	شاخص‌ها	راهبردها
۵۹	تطبیق و بومی‌سازی مدل کشورهای (جهان اول) که با برنامه‌ریزی دقیق از ارتش وظیفه‌های به ارتش حرفه‌ای تحول یافته‌اند.	ارتش حرفه‌ای (با حذف کامل حرفه‌ای وظیفه)
۶۰	ایجاد جذابیت برای خدمت سربازی داوطلبانه و حرفه‌ای	
۶۱	فراهم نمودن شرایط برای شکل‌گیری سربازی اختیاری جهت مهیا کردن ارتش حرفه‌ای	
۶۲	تدوین و اجرای استراتژی سرباز پیمانی در قالب طرح‌های ۵ساله، ۱۵ ساله و ۲۰ ساله	
۶۳	الگوی تلفیقی از طریق اختیاری کردن خدمت سربازی	ارتش نیمه حرفه‌ای (الگوی تلفیقی ارتش وظیفه‌ای و ارتش حرفه‌ای)
۶۴	الگوی فروش هدفمند خدمت سربازی (اعطای امتیازات ویژه به داوطلبان خدمت سربازی از طریق اخذ امتیازهای ویژه از کسانی که تمایل به خدمت سربازی ندارند)	
۶۵	ارتش حرفه‌ای در قسمت‌های تجهیزات محور (نیروی هوایی) و نظام وظیفه‌ای در بخش‌های سربازمحور (نیروی زمینی)	
۶۶	الگوی ارتش حرفه‌ای مبتنی بر سربازی انتخابی (خرید خدمت سربازی از طرف مشمولین، سربازی بدون سلاح با حقوق متوسط، سربازی طولانی مدت با حقوق و مزایای بالا مشابه سایر ارتش‌های حرفه‌ای در جهان)	
۶۷	مطالعه تطبیقی بومی‌سازی و اجرای مدل ارتش حرفه‌ای پاکستان به عنوان کشور همسایه و مشابه ایران	تجربه کشورهای پیشرو در ارتش حرفه‌ای
۶۸	بومی‌سازی و پیاده‌سازی مدل ارتش حرفه‌ای ایالات متحده آمریکا، فرانسه یا بریتانیا به عنوان الگوهای موفق ارتش حرفه‌ای در جهان	
۶۹	مطالعه تطبیقی بومی‌سازی و اجرای الگوی ارتش حرفه‌ای آلمان به عنوان کشور جهان اول با الگوی تازه تحول یافته از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای	
۷۰	مطالعه تطبیقی بومی‌سازی و اجرای مدل ارتش ترکیه به عنوان کشور مشابه و همسایه ایران در حال تحول ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای	
۷۱	مطالعه تطبیقی بومی‌سازی و اجرای مدل ارتش روسیه به عنوان کشور جهان اول و در حال تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای	
۷۲	مطالعه تطبیقی بومی‌سازی و اجرای مدل ارتش در حال تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای با توجه به ویژگی‌ها و شاخصه‌های کشور و جامعه ایران	
۷۳	تأمین هزینه و بار مالی تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای از طریق مشارکت اجتماعی (پرداخت سالانه ۵۰۰۰۰۰ ریال اقشار با درآمد متوسط و پرداخت سالانه ۵۰۰۰۰۰ ریال برای اقشار با درآمد بالا)	امکان‌سنجی اقتصادی
۷۴	تأمین بار مالی تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای از طریق ایجاد ارزش افزوده با درصد بسیار پائین (مثلاً یک‌صدم یک درصد برای کالای لوکس تجملاتی و سرمایه‌ای)	
۷۵	تأمین بار مالی تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای از طریق مشارکت صاحبان سرمایه و صنایع بزرگ	
۷۶	تأمین بار مالی تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای از طریق فروش هدفمند خدمت سربازی (متناسب با سطح تحصیلات و درآمد افراد)	
۷۷	تأمین بخشی از بار مالی تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای از طریق صرفه‌جویی در هزینه‌های نظامی ن.م. از بابت حذف تدریجی مشمولین خدمت وظیفه عمومی	
۷۸	تأمین بار مالی تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای از طریق ترکیبی از مجموعه راهکارهای مطرح شده در همین بند	
۷۹	مشارکت دولت در تأمین هزینه‌های نیروهای مسلح کما فی‌السابق (ترجیحاً استفاده از بودجه دولت در تأمین سلاح و تجهیزات ارتش حرفه‌ای)	

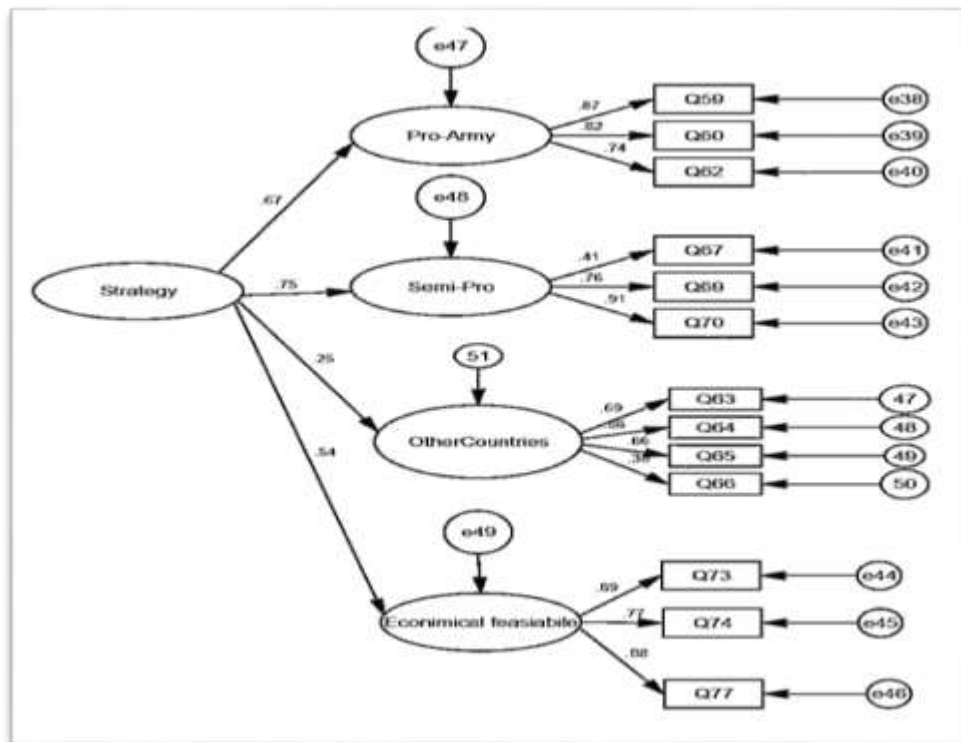
همانطور که اشاره شد راهبردهای اقتصادی مهمترین بخش این پژوهش هستند. سناریوها، تحلیل‌ها و الگوها بر مبنای همین راهبرد تدوین شده‌اند. از تحلیل دیدگاه خبرگان و جامعه آزمون شده چنین برمی‌آید که دغدغه‌های اقتصادی تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای مهمترین دغدغه‌های تحول در این زمینه است. بنابراین باید راهکارهای متفاوتی که بتواند دغدغه اقتصادی موضوع را کاهش دهد پیشنهاد گردد. شاخص‌های استخراج شده در این راهبرد در کنار مدیریت کارآمد، از چنین ویژگی‌هایی برخوردار هستند. اما راهبرد تلفیقی که همه شاخص‌ها را در این زمینه مؤثر می‌داند مهمترین راهبرد می‌تواند باشد و سناریوها هم بر مبنای این نگاه تدوین شده‌اند. در نهایت همه شاخص‌ها و مؤلفه‌ها در جامعه مورد نظر آزمون شد و با تحلیل در نرم افزار Amos اعتبار بالایی حاصل شد (شکل ۲).

مجموع این راهبردها در جامعه مورد نظر (که طیفی از تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان نیروهای مسلح در ارتش، سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و طیف محدودی از تصمیم‌گیران غیرنظامی اما آگاه به موضوع بودند) مورد آزمون قرار گرفت و از بین شاخص‌های مستخرجه از دیدگاه خبرگان، شاخص‌هایی که به رنگ مشکی در آمده‌اند حذف و بقیه با اعتبار بالایی تأیید شدند. البته شاخص‌هایی هم با اعتبار پائین تأیید شده‌اند که نیازمند بازبینی و تحلیل جامع‌تر هستند که در کادر خط چین شده مشخص شده‌اند. در مجموع از ۲۱ شاخص مستخرجه؛ ۴ شاخص حذف، ۴ شاخص نیازمند بررسی بیشتر و ۱۳ شاخص مورد تأیید قرار گرفتند و می‌توانند در فرآیند تدوین سناریوها و استراتژی گذار به ارتش حرفه‌ای مورد استفاده قرار گیرند.

ارزیابی مدل اندازه‌گیری راهبردها

شکل (۲) مدل اندازه‌گیری راهبردها را نشان می‌دهد. این مدل یک مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم است. معناداری وزن‌های رگرسیونی این مدل نیز نمایانگر روایی آن است و شاخص‌های آن نیز حکایت از تأیید مدل در سطح خطای ۱ درصد دارند. همان‌طور که از مدل برمی‌آید متغیرهای پنهان ارتش کاملاً حرفه‌ای (با حذف کامل نظام وظیفه)، ارتش نیمه حرفه‌ای (الگوی تلفیقی ارتش وظیفه‌ای و ارتش حرفه‌ای)، تجربه کشورهای پیشرو در ارتش حرفه‌ای، امکان سنجی اقتصادی، به ترتیب بیشترین توان را در تبیین واریانس متغیرهای مشاهده شده «مطالعه تطبیقی بومی‌سازی و اجرای مدل ارتش ترکیه به عنوان کشور مشابه و همسایه ایران در حال تحول ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای» با میزان ۸۳ درصد (۰/۹۱۲)، تأمین بخشی از بار مالی تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای از طریق صرفه‌جویی در هزینه‌های نظامی نیروهای

مسلح از بابت حذف تدریجی مشمولین خدمت وظیفه عمومی با میزان ۸۰ درصد (۰/۸۹۲)، تطبیق و بومی سازی مدل کشورهای (جهان اول) که با برنامه ریزی دقیق از ارتش وظیفه ای به ارتش حرفه ای تحول یافته اند ۷۹ درصد (۰/۸۷۲) تأثیر دارند.



شکل (۲) مدل اندازه گیری راهبردها مبتنی بر تحلیل عامل تائیدی

تبیین پیامدها مبتنی بر رویکرد تئوری داده بنیاد

در معادلات ساختاری پیامدها نتایج هستند که در اثر راهبردها پدیدار می شوند. پیامدها نتایج حاصل کنش ها و واکنش ها هستند که نمی توان همواره آنها را پیش بینی کرد و الزاماً همان هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته اند. پیامدها ممکن است حوادث و اتفاقات باشند، شکل منفی به خود بگیرند، واقعی یا ضمنی باشند، و در حال یا آینده به وقوع بپیوندند. همچنین این امکان وجود دارد که آن چه که در برهه ای از زمان پیامد به شمار می رود در زمانی دیگر به بخشی از شرایط و عوامل تبدیل شود.

جدول (۲) کدگذاری باز داده‌های کیفی برای احصای پیامدها

کد	شاخص‌ها	پیامدها
۸۰	ارتقاء کیفی قدرت رزمی نیروها	حل مسائل نظامی - دفاعی
۸۱	تطابق توانایی‌های افراد با صحنه رزم آینده	
۸۲	چالاکی و چابکی سازمان رزم و نیروها	
۸۳	امکان بهره‌گیری از دفاع هوشمند	
۸۴	ارتقاء قدرت رزمی با بهره‌گیری از نیروی انسانی کیفی‌تر	
۸۵	صرفه‌جویی اقتصادی با نهادینه شدن ارتش حرفه‌ای در بازه زمانی طولانی‌تر	
۸۶	رضایت‌مندی جامعه از نظام به دلیل پایان دادن به سیاست ناعادلانه رضاخانی	حل مسائل اجتماعی فرهنگی
۸۷	تسهیل در ازدواج و اشتغال جوانان به‌خاطر حذف خدمت سربازی عمومی	
۸۸	ارتقاء سطح رضایت‌مندی اجتماعی به‌خاطر حذف مسائل و مشکلات سربازی ناشی از خدمت سربازی	
۸۹	حذف بار اقتصادی نسبتاً سنگین از دوش خانواده‌ها که به دلیل خدمت سربازی فرزندان بر آنها تحمیل می‌شود	
۹۰	از بین بردن آسیب‌های جسمی و روحی - روانی که در شرایط کنونی برای برخی از جوانان در محیط سربازی بوجود می‌آید	
۹۱	حذف آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی سربازی اجباری	
۹۲	تسهیل در مدیریت ظرفیت‌های انسانی به وسیله دولت	حل مسائل سیاسی - دولتی
۹۳	حذف بار اقتصادی سرسام آور خدمت سربازی (با بهره‌امینتی کم) برای کشور	
۹۴	رفع احساس و ادراک تبعیض و فرهنگ رانتهی در خدمت وظیفه سربازی	
۹۵	برقراری رابطه معنادار بین کشش جمعیتی کشور و نیروی انسانی بخش دفاعی کشور	

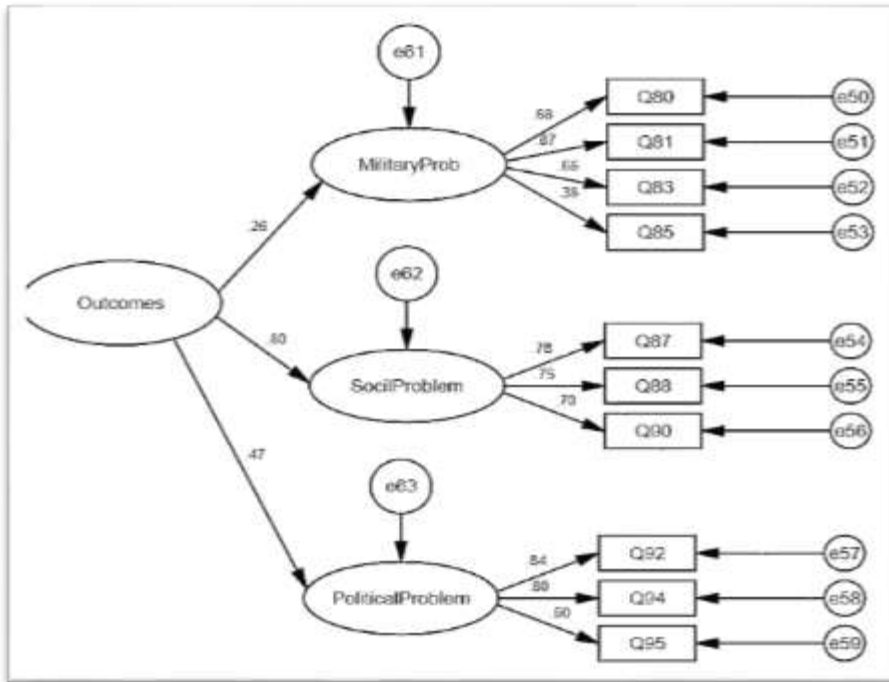
در این پژوهش نیز اغلب پیامدها جنبه‌های ایجابی دارند و فقط تعداد کمی از پیامدهای پیش‌بینی شده از دیدگاه جامعه‌آزمون‌شونده از اعتبار کمتری برخوردار شدند. این پیامدها که بر سه محور حل مسائل و مشکلات نظامی - دفاعی، حل مسائل اجتماعی و حل مسائل سیاسی تأکید دارد بیانگر این است که تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای به حل بخش وسیعی از مسائل و مشکلات اجتماعی در ایران کمک خواهد کرد. این پیامدها حاصل تحلیل تمام ابعاد سیاسی، نظامی و اجتماعی از سوی محقق است. در واقع تحلیل و تفسیر شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر سبب استخراج این پیامدها از دیدگاه خبرگان و مطالعه منابع شده است.

شاخص‌هایی که برای هر کدام از این پیامدها استخراج شده‌اند، تصویر دقیق از جامعه ایران در صورت داشتن ارتش حرفه‌ای را می‌سازند.

در نهایت ۱۶ شاخص استخراج شده از دیدگاه خبرگان در جامعه مورد مطالعه آزمون شدند و همگی در آزمون تحلیل عامل تأییدی نرم افزار Amos تأیید شدند. اما با توجه به اینکه در بخش راهبردها هزینه به عنوان یک محور مستقل مورد بررسی قرار گرفته بود، در نتیجه در پیامدها نیز این امر باید لحاظ می‌شد. بنابراین کلیه شاخص‌هایی که در مؤلفه‌های سه گانه در جدول (۲) بر بعد اقتصادی و مدیریت هزینه ارتباط داشتند، در مؤلفه جدیدی تحت عنوان حل مسائل اقتصادی و مشکلات هزینه‌ای ارائه شده‌اند.

ارزیابی مدل اندازه‌گیری پیامدها

شکل (۳) مدل اندازه‌گیری پیامدها را نشان می‌دهد. در این مدل نیز شاخص‌های برازش نشان‌دهنده تأیید مدل در سطح خطای ۱ درصد هستند و معناداری وزن‌های رگرسیونی مدل به روایی همگرای آن اشاره دارد. با توجه به مدل می‌توان دریافت که متغیرهای پنهان حل مسائل نظامی - دفاعی، حل مسائل سیاسی - دولتی، و حل مسائل اجتماعی - فرهنگی، به ترتیب بیشترین توان را در تبیین متغیرهای مشاهده شده «تطابق توانایی‌های افراد با صحنه رزم آینده» با میزان ۷۶ درصد (۰/۸۷)، تسهیل در مدیریت ظرفیت‌های انسانی به وسیله دولت با ۷۱ درصد (۰/۸۴) و تسهیل در ازدواج و اشتغال جوانان به خاطر حذف خدمت سربازی عمومی در کشور با میزان ۶۱ درصد (۰/۷۸) به ترتیب بیشترین توان را در تبیین واریانس متغیرهای پنهان را دارند. همچنین در بین متغیرهای پنهان پیامدهای تحول از ارتش و وظیفه به ارتش حرفه‌ای به ترتیب بیشترین توان را، حل مسائل اجتماعی با ۶۴ درصد (۰/۸۰)، حل مسائل سیاسی دولتی با ۲۳ درصد (۰/۴۷) و حل مسائل نظامی - دفاعی با ۷ درصد (۰/۲۶) برای تبیین واریانس مدل دارند.



شکل (۳) مدل اندازه‌گیری پیامدها مبتنی بر تحلیل عامل تأییدی

تصویری که در مدل بالا ساخته شده است به مفهوم مفید بودن و ضروری بودن تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای در ایران است. در این مدل شاخص‌هایی که در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته‌اند و در فرآیند عملیاتی تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای در ج.ا.ا. باید مورد توجه قرار بگیرند آورده شده‌اند. این پیامدها ارتباط غیرمستقیمی با سناریوهای مورد نظر در این تحقیق دارند و چنانچه راهبردها و شرایط زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر به این مهم دست نیابند، تدوین سناریو بی‌معنی خواهد بود. در واقع سناریو برای رسیدن به پیامدهای پژوهش حاضر تدوین شده است و متغیرهای کلیدی مطروحه در سناریوها با شاخص‌های بدست آمده در پیامدها به طور غیر مستقیم در ارتباط هستند. مطالعه بخش سناریو بر این اصل مهم صحه خواهد گذاشت.

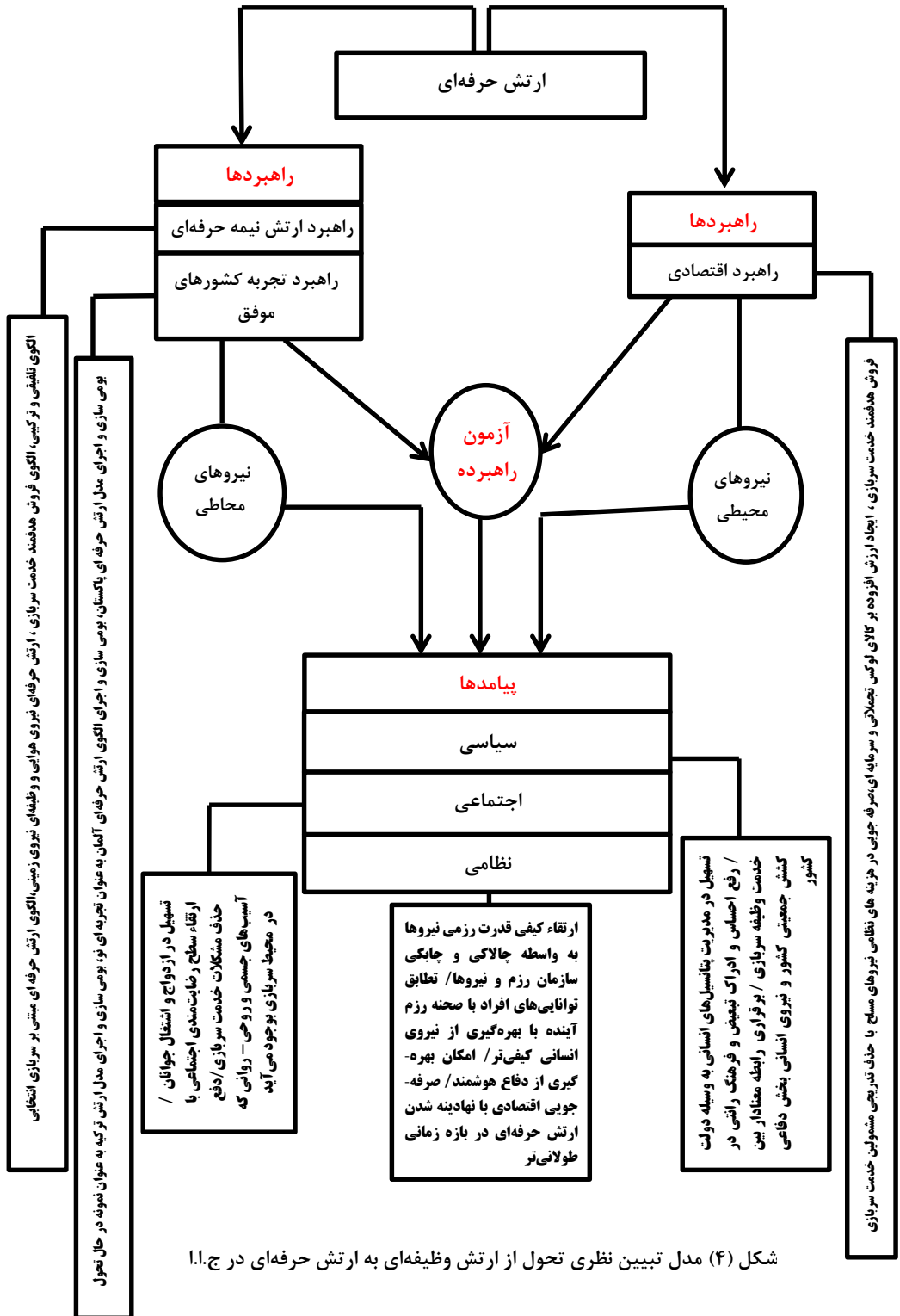
تبیین مدل مفهومی نهایی پژوهش مبتنی بر تئوری داده‌بنیاد

مجموعه عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای حاصل از آن به مدل مفهومی رسیده است که در تبیین سناریوهای ممکن مؤثر خواهد بود. در این الگو کلیه عوامل و شاخص‌هایی که برای تبیین نظریه تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای لازم است احصاء

گردیده است و تبیین رابطه معنادار عوامل و شاخص‌ها با یکدیگر، منجر به تبیین مدل تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای شده است. در واقع حرفه‌ای کردن ارتش با تأکید بر یک بعد یا یک شاخص میسر نیست، بلکه بایستی از همه ابعاد و مؤلفه‌ها و مراحل هفت‌گانه تدوین سناریو را در آن رعایت کرد. بنابراین نیروی انسانی آموزش دیده و تجهیزات مدرن، اقتصاد پویا، نظام مشارکت اجتماعی فعال، و اراده سیاسی حکومت برای تدوین سناریوهای مورد نظر لازم و ملزوم یکدیگرند. تکنولوژی پیچیده به انسان‌هایی که توانایی لازم برای بکارگیری آنها را داشته باشد، نیاز دارد و بایستی همه ابعاد را در این مسیر در نظر گرفت.

بطور کلی شکل و شمای کلی مدل این رابطه را تبیین می‌کند. این مدل نگرش قیاسی به موضوع هست که با نگاه به کلیت موضوع می‌توان علل زمینه پارادایم‌های غالب، راهبردهای مؤثر و پیامدهای احتمالی آن را نشان داد. در این مدل عوامل مداخله‌گر که چالش‌های کل تحقیق به شمار می‌روند مؤلفه‌ها و شاخص‌های کمتری به خود اختصاص داده‌اند و همین امر بیانگر این است که زمینه برای تدوین سناریو شکل‌گیری ارتش حرفه‌ای و تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای در صورت اراده سیاسی حکومت به راحتی عملیاتی می‌شود. در برخی مواقع طرح‌های کلان ملی به اندازه‌ای پیچیده و سخت می‌شوند که حتی با وجود اراده حکومت‌ها و دولت‌ها هم امکان اجرایی چندانی پیدا نمی‌کنند، اما چنانچه از مدل نهایی تحقیق بر می‌آید این فرآیند در ایران پیچیدگی خاصی ندارد و با اراده سیاسی حکومت عملیاتی می‌گردد.

با این حال نکته اصلی الگو در این است که برای اینکه مدل مورد تأیید قرار گیرد باید مفاهیم و مؤلفه‌های درون آن بگونه‌ای با هم رابطه معنادار داشته باشند که وقتی در نرم افزارها و سنجه‌های معادلات ساختاری قرار می‌گیرند قابلیت اعتبار و تأیید داشته باشند. بنابراین مدل به ظاهر ساده زیر مفاهیم و تفاسیر برجسته‌ای در درون خود دارد و علت آن معنادار بودن مفاهیم در آن می‌باشد. مدل زیر براساس فرضیات کلی تحقیق استخراج شده‌اند و علاوه بر مدل مفهومی، نقشه راه اجرای تحقیق هم بشمار می‌رود.



شکل (۴) مدل تبیین نظری تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای در ج.ا.ا.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای آن‌چنان که ضروری و در افکار بسیاری از احاد جامعه سهل و آسان به نظر می‌رسد، کار ساده‌ای نیست. کشورهای پیشرو در این روند، با برنامه‌های دقیق و سناریوهای قوی توانسته‌اند این تحول را در ساختار دفاعی نظامی خود به منصفه ظهور برسانند. بر اساس مطالعه میدانی و مطالعه تطبیقی که در این پژوهش انجام شده است؛ اراده سیاسی حکومت‌ها در تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای و همچنین پیامدهای اجتماعی و نظامی آن مهم‌ترین محرک‌های این تحول هستند. این فرآیند در جمهوری اسلامی ایران نیز از همین اصل تبعیت می‌کند. اما در این زمینه عوامل مداخله‌گر سبب تعدیل این تفکر شده و عوامل بسترساز و زمینه‌ای، سبب توسعه و پشتیبانی این تفکر می‌گردد. با توجه به شرایط ایران و نوع نگاه حاکمیت به این موضوع در حال حاضر عوامل مداخله‌گر و تعدیل‌کننده قوی‌تر عمل کرده و فرآیند تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای را باوجود ضرورت این تحول، با تأخیر مواجه ساخته است.

در این زمینه اغلب نخبگان سیاسی و نظامی بر این باور هستند که این تحول در ساختار دفاعی جمهوری اسلامی ایران هزینه‌های سنگین و بار اقتصادی بالایی دارد و شرایط اقتصادی کشور توان و کشش این استراتژی را ندارد. اما با مطالعه‌ای که در بسترها و محرک‌های اقتصادی این موضوع صورت گرفت، این نتیجه به دست آمد که بار اقتصادی و تأمین هزینه‌های تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای اصلی‌ترین عامل تعدیل‌کننده این موضوع نیست. در واقع تحول از ارتش وظیفه به ارتش حرفه‌ای با صرفه‌جویی‌های اقتصادی قابل توجه و طرح‌هایی از قبیل فروش هدفمند خدمت سربازی، تعهدات و عوارض تأمین امنیت در قالب ارزش افزوده به کالای لوکس و سرمایه‌ای و ... در ایران قابل توجیه است. بنابراین محرک‌های اقتصادی با مدیریت کارآمد بخش مهمی از هزینه‌های این تحول را تأمین خواهد کرد.

موضوع اقتصاد به عنوان اولین محرک تعدیل‌کننده در موضوع مورد بحث اولویت خود را از دست می‌دهد اما موضوع مهم دیگری که در نگاه اول از نظر نخبگان پنهان مانده است، محرک تعدیل‌کننده اراده سیاسی حکومت است. در واقع تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران نظامی - سیاسی و عدم اراده سیاسی حکومت در این فرآیند مهم‌ترین محرک تعدیل‌کننده محسوب می‌شوند. بر اساس تحلیل عاملی متغیر در جامعه مورد مطالعه و آزمون شاخص‌های پژوهش این نتیجه بدست آمد که جامعه مورد مطالعه چند دسته بوده و برخی از نهادهای نظامی با این تغییر به دلیل ایدئولوژی خاص حاکمیت مخالفت می‌کنند. بنابراین این محرک مداخله‌گر به عنوان عامل

تعدیل‌کننده در اولویت نخست قرار می‌گیرد. اما محرک تعدیل‌کننده دیگر درون نهادی نیز وجود دارد که از نظر بیشتر خبرگان تحقیق به عنوان عامل تعدیل‌کننده این موضوع نقش دارد و آن محرک توان مدیریتی و فقر نظری نیروهای مسلح در طراحی و اجرای سناریوهای این استراتژی است؛ با توجه به اینکه این استراتژی نیازمند مدیریت بسیار قوی می‌باشد و نیروهای مسلح بنیان‌های نظری و مدیریتی قابل توجهی برای این تغییر ندارند.

در واقع براساس دیدگاه اکثر خبرگان مشارکت‌کننده در این پژوهش نیروهای مسلح تجربه و توان مدیریتی تحول در حوزه‌های تجهیزات و فناوری‌های دفاعی را دارند. اما تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای موضوع مهمی است که زیر ساخت‌های ارتش را تحت تأثیر خود قرار داده و بر سازمان رزم و استعداد واحدهای رزمی در ایران اثر خواهد گذاشت و این این چیزی است که نیروهای مسلح تجربه کافی برای این کار را ندارند. البته این چالش نباید به عنوان مبنای منفی و ناکارآمدی نگریسته شود؛ زیرا اغلب کشورهایی که در حال حاضر دارای نیروهای مسلح حرفه‌ای هستند، در ابتدا با ضعف مدیریت و بنیان نظری پیرامون تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای روبرو بوده اند، اما با برنامه‌ریزی صحیح و کشف استعدادها و نیروهای مسلح و جامعه خود از چالش عبور کرده‌اند.

به عنوان نتیجه نهایی می‌توان این استدلال را ارائه داد که تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای به عنوان یک مطلوب اجتماعی و دفاعی، آن‌چنان در لایه سیاسی و دیدگاه‌های محافظه‌کارانه مسئولین سیاسی - دفاعی کشور مطلوب به نظر نمی‌رسد، اما با توجه به مطالعه روندهای حاکم بر فضای اجتماعی، تحول از ارتش وظیفه‌ای به ارتش حرفه‌ای به عنوان یک مطالبه اجتماعی در اذهان تصمیم‌گیران سیاسی - نظامی نقش بسته است و در آینده جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق این مقوله مهم اجتماعی - نظامی اقدام خواهد کرد. در ادامه پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌گردد؛

- ارائه گزارشی جامع به مقام معظم رهبری: مقام معظم رهبری بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در امور جاری مملکت و امور مربوط به امنیت ملی و طرح‌های نظامی - دفاعی می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد گزارشی جامع و مبتنی بر واقعیات اجتماعی و نظامی و همچنین فرصت‌های ارتش حرفه‌ای و اثراتی که آن بر رضایت‌مندی اجتماعی و ارتقاء توان رزمی بواسطه نیروهای مسلح و نظام سربازی حرفه‌ای دارد به مقام معظم رهبری ارائه گردد و تصمیم‌سازی جامعی مبتنی بر واقعیت‌ها صورت گیرد.

- تشکیل ستاد گذار نیروهای مسلح از حالت وظیفه‌ای به حالت حرفه‌ای: بدیهی است در فرآیند تحول از هر مرحله به مرحله دیگر در کلیه زمینه‌ها، بدون تشکیل زیر ساخت‌های اساسی امکان‌پذیر نیست. برای تحول از ارتش و نیروهای مسلح وظیفه‌ای به نیروهای مسلح حرفه‌ای نیز این امر صادق است. از دیدگاه اغلب خبرگان این‌گونه می‌توان استنباط کرد که زیرساخت‌های لازم جهت اجرای چنین تحولی در کشور فراهم نیست. در واقع معلوم نیست چنین تحولی جزء وظایف کدام‌یک از نهادهای نظامی- دفاعی است؛ وزارت دفاع، ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، یا سپاه پاسداران. برای رفع این چالش پیشنهاد می‌گردد در ستاد کل نیروهای مسلح ستاد جدیدی با مشارکت کلیه نهادهای نظامی تشکیل و مدیریت اقتصادی، سیاسی و اجرایی کار را بر عهده بگیرد و برنامه هر مرحله را با دقت بالا تنظیم و جهت اجرا به نهادهای اجرا کننده ارائه نماید.
- طرح لایحه در مجلس شورای اسلامی: مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی بالاترین مرجع قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری در امور امنیتی و دفاعی- نظامی هستند. پیشنهاد می‌شود نتایج طرح‌های پژوهشی پیرامون ارتش حرفه‌ای به آنها ارجاع داده شود تا تصمیم‌گیری لازم در این حوزه انجام شود.
- توسعه ادبیات بنیان نظری ارتش حرفه‌ای در کشور: در فرآیند پژوهش این نتیجه کلی حاصل شد که از دید بسیاری، ارتش حرفه‌ای بطور پنهان بدون اینکه صراحتاً مطرح شود برای نظام سیاسی تهدید تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد علت اصلی این نگرش ضعف شدید ادبیات و مبانی نظری در حوزه ارتش حرفه‌ای است. در واقع ارتش حرفه‌ای با فرهنگ و شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ج.ا.ا. تعریف نشده است. برای رفع این نگرش و ایجاد اطمینان خاطر برای مسئولان نظام پیشنهاد می‌گردد تا با شروع برنامه هفتم توسعه طرح‌های تحقیقاتی که ادبیات و مفهوم ارتش و سربازی حرفه‌ای متناسب با اهداف نظام را تبیین می‌کند در دستور کار ستاد کل نیروهای مسلح و سایر نهادهای نظامی قرار بگیرد.
- تشکیل هیئت اندیشه‌ورز در ستاد کل نیروهای مسلح: در سال‌های اخیر ستاد کل نیروهای مسلح برای موضوعات نظامی و دفاعی اولویت‌دار خود، هیئت‌های اندیشه‌ورز هفتگی و ماهانه را تشکیل داده است. هدف این هیئت‌ها تولید ایده پیرامون موضوعات اولویت‌دار ستاد کل نیروهای مسلح است. علی‌رغم اهمیت موضوع ارتش حرفه‌ای، با این حال این مقوله در اولویت ستاد کل نیروهای مسلح قرار نگرفته است. در این راستا پیشنهاد می‌گردد هیئت اندیشه‌ورزی گذار از ارتش و نیروهای مسلح وظیفه‌ای به حرفه‌ای را در دستور کار ستاد کل

قرار دهد تا بتواند با شروع برنامه هفتم توسعه، ایده و زمینه فکری لازم جهت تحول به نیروهای مسلح حرفه‌ای را تولید نماید.

منابع

- رضایی، علی‌اکبر. و زارع، محمد. (۱۳۹۱). چین و فرایند انقلاب درامور نظامی، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال سوم، شماره دوم.
- رضاییان فردویی، صدیقه. (۱۳۹۳). نوآوری، نظام نوآوری و ضرورت‌ها، دسترسی در سایت.
- سلطانی تیرانی، فلورا. (۱۳۷۸). نهادی کردن نوآوری در سازمان، تهران: انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- سلیمانی، فاطمه. (۱۳۹۴). استراتژی نظامی جدید چین: ابعاد و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی).
- سنایی، وحید. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر استراتژی‌ها و فناوری‌های نوین در تحول نظام وظیفه به ارتش حرفه‌ای، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۲.
- شفقت، ابوطالب. و همکاران. (۱۳۹۵). تحلیل کیفی نظام نوآوری در صنعت دفاعی از منظر گفتمان انقلاب اسلامی، نشریه بهبود مدیریت، سال دهم، شماره ۲، پیاپی ۳۲.
- قاسمی، فرهاد. و نگهدار، الهام. (۱۳۹۳). چرخه راهبردی و الزامات سیستم دفاعی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و دوم، شماره ۸۵.
- گریفیتس، مارتین. (۱۳۸۸). دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- نصیری، عزت‌الله. (۱۳۸۶). ارتش حرفه‌ای، فصلنامه علوم و فنون نظامی، دوره چهارم، شماره هشتم و نهم.

- Chapman, G. (2003). *An Introduction to the evolution in Military Affairs*, Gary Chapman LBJ School of Public Affairs University of Texas at Austin Austin, Texas, USA, XV Amaldi Conference on Problems in Global Security Helsinki, Finland September 2003 PP2.
- Charles, C. Moskos, J. Williams, A. & Segal, D.A. (1999). *Armed Forces after the Cold War* ISBN: 9780195133295304.
- Creswell, J.W. (2002). *Educational Research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research*. Upper Saddle River, NJ: Pearson Education .

- Held, D. McGrew, A. Goldblatt, D. & Perraton, J. (1999). *Global Transformations; Politics, Economics and Culture*, Cambridge Polity Press, p 88.
- <http://sccr.ir/Pages/newsSimpleView.aspx?gid=28&nid=641459>.
- <http://www.lincci.it/rapporti/amaldi/papers/XV-Chapman.pdf>.
- Joe, T. Bessant, J. & Pavitt, K. (2009). *Managing Innovation Integrating Technological Market, and Organizational Change*, John Wiley & Sons Third edition © 2005 Joe Tidd, John Bessant and Keith Pavitt.
- Krishnan, A. (2008). *Wars as Business: Technological Change and Military Service Contracting*, London & New York: Routledge, p 158.
- Liaropoulos, A.N. (2006). Revolutions in Warfare: Theoretical Paradigms and Historical Evidence: The Napoleonic and First World War Revolutions in Military Affairs, *The Journal of Military History*, 70 (2): 363-384.
- Moskos, C. (1998). *The American Soldier after the Cold War: Towards a PostModern Military?*. U.S. Army Research Institute for the Behavioral and Social Sciences Prees Northwestern University ARI Research Note 99-02.
- Sapolsky, H. M. Benjamin, H. Friedman, B. & Ritenhouse, G. (2009). *US Military Innovation since the Cold War*, press Rutledge.(Print ISBN: 9780415777919).